

مسئولیت دولت اسلامی در قبال حفظ اموال رعایا (شهروندان)

نگارندگان: ابراهیم حبیبی^۱، جلال الدین جاهد^۲

چکیده

مال و دارایی از مهم ترین عوامل تأثیر گذار بر رفاه، امنیت و پیشرفت انسان ها به شمار می رود. دین مبین اسلام نیز توجه ویژه ای به حفظ و صیانت از اموال افراد داشته و بر حمایت از مالکیت مشروع و رعایت حقوق مالی رعایا تأکید کرده است. با وجود این، در بسیاری از جوامع اسلامی هم چنان پدیده هایی مانند سرقت، غصب، فساد مالی و تعدی به حقوق مالی شهروندان مشاهده می شود. این وضعیت، پرسش اساسی این پژوهش را مطرح می سازد که دولت اسلامی در قبال حفظ اموال رعایا چه مسئولیت ها و تکالیفی بر عهده دارد و برای تأمین امنیت مالی شهروندان از چه راه کارهای شرعی و قانونی بهره می گیرد؟ هدف این پژوهش، بررسی مسئولیت های دولت اسلامی در حفظ و حمایت از اموال رعایا و تبیین وظایف آن در تأمین امنیت مالی جامعه با استناد به روایات اسلامی است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و داده های آن به شیوه کتابخانه ای گردآوری شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که مال و دارایی در نظام اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و از همین رو، دولت اسلامی مکلف به حفظ و صیانت از اموال رعایا است. در این راستا، اجرای حدود الهی، تعزیرات و سایر سازوکارهای شرعی و قانونی، از مهم ترین ابزارهای تأمین امنیت مالی جامعه و حفاظت از اموال شهروندان به شمار می روند. هم چنین، اجرای دقیق احکام جزایی اسلام می تواند نقش مؤثری در پیش گیری از تضییع، تصرف غیرقانونی و تجاوز به اموال رعایا ایفا کند. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می دهد که دولت اسلامی، بر اساس آموزه ها و روایات اسلامی، موظف است امنیت مالی جامعه را تأمین کرده و از حقوق و اموال شهروندان حفاظت و صیانت نماید.

واژه گان کلیدی: اسلام، اموال، دولت، رعایا، شهروندان، مسئولیت.

^۱ آمر مرکز تحقیقات علمی پوهنتون هریوا. (نویسنده مسئول)^۲ استاد ثقافت اسلامی، پوهنهی کمپیوترساینس، پوهنتون هریوا.

The Responsibility of the Islamic State for the Protection of Citizens' Property



Authors: Ibrahim Habibi³, Jalaluddin Jahid⁴

Abstract

Property and wealth are among the most significant factors contributing to human welfare and development. Islamic law places special emphasis on the protection and preservation of people's property and strongly safeguards legitimate ownership rights. Despite these principles, many Islamic societies continue to face challenges such as theft, usurpation, financial corruption, and violations of citizens' property rights. This raises a fundamental question: What responsibilities and obligations does the Islamic state bear regarding the protection of citizens' property, and what Islamic legal mechanisms are available to ensure their financial security? The present study aims to examine the responsibilities of the Islamic state in protecting and safeguarding the property of its citizens and to clarify its duties in ensuring financial security based on Islamic traditions and jurisprudential teachings. This research adopts a descriptive-analytical approach and relies on library-based data collection. The findings indicate that property occupies a highly significant position in the Islamic legal system, making the Islamic state responsible for protecting and safeguarding the property rights of its citizens. To fulfill this responsibility, the state is required to implement appropriate legal measures, including the enforcement of Hudud (fixed Islamic punishments) and Ta'zir (discretionary punishments), which serve as effective mechanisms for protecting property rights and maintaining financial security within society. Furthermore, the proper implementation of Islamic criminal laws can play a vital role in preventing violations, encroachments, and unlawful appropriation of citizens' property. The study concludes that, according to Islamic traditions, the Islamic state is religiously and legally obligated to ensure the financial security of society and to protect and preserve the property rights of its citizens.

Keywords: Islam, Islamic State, Property, Citizens, Property Rights, Responsibility.

Received: 2026/04/02

Published: 2026/06/29

Number of Pages: 19

Hariwa University (Research and Scientific Journal)



³ Director of the Scientific Research Center, Hariwa University. Email: habibiabraham567@gmail.com

⁴ Lecturer in Islamic Culture, Faculty of Computer Science, Hariwa University. Email: Jalaluddinjahid13@gmail.com

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمین، نحمده ونستعینه ونستغفره، ونؤمن به ونتوكل عليه، ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، ونشهد أن سيدنا محمد بن عبدالله عبده ورسوله، اللهم صل وسلم وبارك عليه، وعلى آله وصحبه أجمعين.

حفظ مال و دارایی از مهم ترین مقاصد شریعت اسلامی و یکی از ارکان اساسی تحقق امنیت، عدالت و رفاه اجتماعی به شمار می رود. اسلام ضمن به رسمیت شناختن مالکیت مشروع، انسان ها را به کسب روزی حلال، تولید ثروت و بهره برداری صحیح از اموال تشویق کرده و هم زمان هرگونه تجاوز به حقوق مالی افراد، از جمله سرقت، غصب، خیانت در امانت، فساد مالی و تصرف غیرقانونی در اموال دیگران را به شدت ممنوع دانسته است. از این رو، حفظ اموال مردم تنها یک وظیفه فردی نیست، بلکه مسئولیتی اجتماعی و حکومتی نیز محسوب می شود که تحقق آن مستلزم وجود نظامی کارآمد، عادلانه و مبتنی بر آموزه های شریعت اسلامی است.

در اندیشه سیاسی اسلام، دولت اسلامی افزون بر تأمین امنیت جانی و حفظ نظم عمومی، مسئولیت دارد امنیت اقتصادی جامعه را نیز برقرار سازد و با اتخاذ تدابیر قانونی و اجرایی مناسب، از حقوق مالی شهروندان صیانت نماید. اجرای عدالت، مقابله با جرایم مالی، حمایت از مالکیت مشروع، ایجاد نظام قضایی عادلانه و اجرای احکام و مجازات های اسلامی از جمله مهم ترین ابزارهایی هستند که شریعت برای تحقق این هدف پیش بینی کرده است. با وجود این، در بسیاری از جوامع اسلامی هم چنان پدیده هایی مانند سرقت، غصب، فساد مالی، اختلاس، کلاهبرداری و سایر جرایم علیه اموال شهروندان مشاهده می شود که ضرورت بازخوانی مسئولیت های دولت اسلامی در این زمینه را بیش از پیش آشکار می سازد.

بر همین اساس، پژوهش حاضر در پی آن است که با تکیه بر آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و منابع معتبر فقه اسلامی، مسئولیت های دولت اسلامی را در قبال حفظ، حمایت و صیانت از اموال رعایا تبیین و تحلیل کند و راه کارهای شرعی و قانونی پیش بینی شده برای تأمین امنیت مالی جامعه را مورد بررسی قرار دهد. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که نشان می دهد حفظ اموال مردم در اندیشه

اسلامی صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه از وظایف اساسی حکومت اسلامی به‌شمار می‌رود و دولت مکلف است با استفاده از ابزارهای تقنینی، قضایی و اجرایی، زمینه حفظ حقوق مالی شهروندان را فراهم سازد. تحقق این امر علاوه بر استقرار عدالت اقتصادی، موجب افزایش اعتماد عمومی، تقویت امنیت اجتماعی، گسترش سرمایه‌گذاری و فراهم‌شدن زمینه‌های توسعه و رفاه پایدار در جامعه اسلامی خواهد شد.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که دولت اسلامی بر اساس نصوص شرعی چه مسئولیت‌هایی در قبال حفظ و صیانت از اموال رعایا دارد و شریعت اسلامی چه سازوکارها و راه‌کارهایی را برای تضمین امنیت مالی و حمایت از حقوق مالکیت افراد پیش‌بینی کرده است؟ بر همین مبنا، هدف اصلی تحقیق، تبیین و تحلیل مسئولیت‌ها و وظایف دولت اسلامی در حفاظت از اموال شهروندان و شناسایی مهم‌ترین راه‌کارهای شرعی و قانونی تأمین امنیت اقتصادی در جامعه اسلامی است.

در زمینه حفظ مال و مالکیت در اسلام، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. از جمله، نوری (۱۳۶۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی انگیزه‌های کسب مال و ثروت در اسلام و نظام سرمایه‌داری» به تحلیل جایگاه ثروت و انگیزه‌های مشروع کسب مال پرداخته است. رحمدل (۱۳۹۶) نیز در مقاله «مطالعه تطبیقی تحصیل مال نامشروع در حقوق اسلام و غرب» ابعاد حقوقی تحصیل مال از طریق مشروع و نامشروع را در نظام‌های حقوقی مورد مقایسه قرار داده است. هم‌چنین حسینی (۱۳۸۸) در مقاله «الگوی مطلوب مصرف در چارچوب الگوی تخصیص درآمد اسلامی» موضوع مصرف و مدیریت درآمد را از منظر اقتصاد اسلامی بررسی کرده است. در پژوهشی دیگر، ایاد عبد الحمید نمر عبد الرحمن در مقاله «مقاصد الشریعة فی حفظ المال ودورها فی الحد من ظاهرة النزعة الاستهلاكية» با تأکید بر حفظ مال به عنوان یکی از مقاصد ضروری شریعت، نقش آن را در کاهش مصرف‌گرایی، تحقق ثبات اجتماعی و تقویت فرهنگ کار و تولید مورد تحلیل قرار داده است. با وجود ارزش علمی این آثار، هیچ‌یک به صورت مستقل و جامع مسئولیت‌های دولت اسلامی در قبال حفظ و صیانت از اموال شهروندان و سازوکارهای اجرایی حکومت اسلامی در تحقق امنیت مالی را بررسی نکرده‌اند؛

از این رو، پژوهش حاضر تلاش می‌کند این خلأ پژوهشی را با تمرکز بر وظایف دولت اسلامی و تحلیل مستند آموزه‌های قرآن، سنت و فقه اسلامی برطرف سازد.

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و اطلاعات مورد نیاز آن از طریق مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری شده است. برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر، افزون بر منابع علمی و پژوهشی، از آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، منابع معتبر فقه اسلامی و آثار حقوقی مرتبط بهره گرفته شده است تا تحلیل‌ها بر پایه مستندات اصیل اسلامی استوار بوده و یافته‌های تحقیق از اعتبار علمی بیشتری برخوردار باشند.

۲. مفاهیم

۲.۱. مفهوم مسئولیت

واژه «مسئولیت» در کاربردهای لغوی، مفهومی گسترده دارد و با واژه‌هایی مانند تضمین، التزام، تعهد، پاسخ‌گویی و بازخواست هم‌معنا دانسته شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، حرف، م، واژه مسئولیت). در فرهنگ فارسی معین، مسئولیت به معنای مسئول بودن و عهده‌دار بودن انجام کاری تعریف شده است. هم‌چنین، مسئول به شخصی گفته می‌شود که انجام وظیفه‌ای بر عهده او قرار دارد و در صورت کوتاهی یا ترک آن، مورد پرسش و بازخواست واقع می‌شود (معین، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۴۱۲۴). در اصطلاح حقوقی، شامبیاتی مسئولیت را به معنای الزام شخص به پاسخ‌گویی در برابر تعرض به حقوق دیگران می‌داند؛ خواه این تعرض متوجه حقوق و آزادی‌های افراد باشد یا منافع عمومی جامعه را دربر گیرد. این مفهوم بیش از همه در قلمرو مسئولیت کیفری جلوه می‌یابد (شامبیاتی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۲).

در فقه معاصر نیز اصطلاح «ضمان» بیش از گذشته به مفهوم مسئولیت مدنی و اجتماعی نزدیک شده است؛ زیرا ضمان ناظر به الزام شخص برای جبران خسارتی است که در نتیجه رفتار او به دیگری وارد شده است (شلتوت، ۱۳۸۲، ص ۵۵۶).

۲.۲. مفهوم دولت

درباره معنا و مفهوم دولت، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده و این واژه در معانی متعددی به کار رفته است. ابن‌منظور بیان می‌کند که واژه «دولت» اگر با ضمه (دَوْلَة) خوانده شود، به معنای مال و ثروت و

اگر با فتحه (دولة) تلفظ گردد، به معنای جنگ و گردش قدرت است. هم‌چنین، «دولة» بیشتر در امور اخروی و «دولة» در امور دنیوی استعمال می‌شود (ابن منظور، ۱۲۷۵ق، ج ۵، ص ۲۵۲).

ریشه این واژه بر مفهوم گردش، انتقال، جابه‌جایی نوبت و تغییر مالکیت یا غلبه دلالت دارد و واژه‌هایی مانند دولة (حکومت)، تداول (دست‌به‌دست شدن) و إدالة (غالب کردن یک طرف بر طرف دیگر) نیز از همین ریشه گرفته شده‌اند (ابن منظور، ۱۲۷۵ق، ج ۵، ص ۲۵۲).

در زبان فارسی نیز دولت به معنای حکومت، سلطنت، هیئت وزیران، سعادت، اقبال، مکت، قدرت و یاری به کار رفته است (معین، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۴۰۷۷).

۲.۳. مفهوم مال

مال در لغت به معنای دارایی، ثروت و هر آنچه دارای ارزش اقتصادی باشد به کار رفته و منابعی همچون زمین‌های حاصل‌خیز، رودخانه‌ها، جنگل‌ها و معادن را نیز دربر می‌گیرد؛ زیرا قابلیت بهره‌برداری اقتصادی دارند (عمید، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۷۷۳).

در اصطلاح، مال به هر شیء یا پدیده‌ای گفته می‌شود که بتواند نیازهای انسان را برآورده سازد. این اموال ممکن است به صورت مستقیم مورد استفاده قرار گیرند، یا پس از تغییر و فرآوری به وسیله انسان قابل بهره‌برداری شوند. در علم اقتصاد نیز مفهوم «دارایی» به عنوان یکی از مصادیق مال مطرح می‌شود (شلتوت، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷).

فقه‌های اسلامی نیز مال را به معنای ثروت و سرمایه دانسته‌اند. در فقه حنفی، مال عبارت است از هر چیزی که قابلیت انتفاع، نگه‌داری و ارزش معاملاتی داشته باشد (زحیلی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۹۸).

جمهور فقها نیز مال را هر چیزی می‌دانند که دارای ارزش اقتصادی باشد و در صورت تلف شدن، ضمان و جبران خسارت بر آن مترتب گردد (زحیلی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۹۸).

۲.۴. مفهوم رعایا

واژه «رعیت» از ریشه «رعی» گرفته شده و در لغت به معنای حفظ، نگهداری، مراقبت و سرپرستی است. در زبان عربی، به حاکم یا سرپرست «الرأعی» و به مردم تحت حکومت «الرعیة» گفته می‌شود. هم‌چنین، عبارت «رعی الأمیر رعیتة» به معنای سرپرستی و مراقبت حاکم از مردم است (ابن منظور، ۱۲۷۵ق، ج ۱۴، ص ۳۲۷).

همین ریشه درباره نگره‌داری چهارپایان نیز به کار رفته است؛ چنان‌که عبارت «رعیْتُ الْإِبِلِ أَرْعَاهَا» به معنای مراقبت و نگره‌داری شتران است (ابن‌منظور، ۱۲۷۵ق، ج ۱۴، ص ۳۲۷).

در المعجم الوسیط نیز «راعی» به معنای مسئول حفظ، نگره‌داری، اداره و تدبیر امور آمده و «رعیّت» به مردم تحت سرپرستی و فرمانروایی حاکم اطلاق شده است (انیس، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۵۶). در فرهنگ عمید، رعیت به معنای مردم تابع یک حکومت، عامه مردم و نیز کشاورزانی که تحت فرمان مالک زمین قرار دارند تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۷۷۳). هم‌چنین، در فرهنگ معین این واژه به معنای مردم تحت فرمان پادشاه آمده است (معین، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۴۰۷۷). با توجه به معانی یادشده، مقصود از واژه «رعایا» در این پژوهش، مردم، اتباع و شهروندانی است که تحت حاکمیت و فرمانروایی یک دولت زندگی می‌کنند.

واژه رعیت، اگرچه ریشه عربی دارد، در زبان فارسی تا حدودی با مفهوم «شهروند» هم‌پوشانی یافته است. شهروند در لغت به معنای ساکن شهر یا دیار است و این واژه در گذشته به صورت «شهربند» استعمال می‌شد؛ یعنی شخصی که به شهر وابسته است. با گذشت زمان، این ساختار به «شهروند» تبدیل شده و مفهوم آن توسعه یافته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۲۳۴).

در اصطلاح، شهروند فردی است که عضو یک جامعه سیاسی بوده و از حقوق و تکالیف ناشی از این عضویت برخوردار است. شهروندی بیان‌گر رابطه حقوقی، سیاسی و اجتماعی فرد با دولت است و منحصر به ساکنان شهرها نیست؛ بلکه همه افرادی که تحت حاکمیت یک دولت زندگی می‌کنند، اعم از شهرنشین یا روستانشین، شهروند محسوب می‌شوند. بنابراین، شهروند به شخصی اطلاق می‌شود که در ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه حضور داشته و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در سرنوشت آن نقش ایفا می‌کند (غرایبه، ۱۳۹۹، ص ۹۲).

۳. راه‌کارهای حفظ اموال رعایا در روایات اسلامی

هدف اساسی شریعت اسلامی، تأمین خیر، صلاح، فلاح و سعادت انسان در دنیا و آخرت است. از این رو، هر آنچه موجب تحقق مصالح فردی و اجتماعی انسان شود، مشروع دانسته شده و مکلفان به انجام آن ترغیب یا ملزم گردیده‌اند؛ در مقابل، هر عملی که زمینه‌ساز فساد، ظلم، زیان و شقاوت انسان باشد، ممنوع و حرام اعلام شده است. بر همین اساس، اندیشمندان و فقهای اسلامی با استناد به آیات

قرآن کریم و سنت نبوی، مقاصد کلی شریعت را در قالب پنج ضرورت اساسی، یعنی حفظ دین، حفظ جان، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال تبیین کرده‌اند. این پنج ضرورت، بنیان‌های اصلی زندگی فردی و اجتماعی انسان را تشکیل می‌دهند و بخش عمده‌ای از احکام اسلامی برای حفظ، تقویت و تحقق آن‌ها تشریع شده است.

امام ابو حامد غزالی در کتاب المستصفی، در تبیین مقاصد شریعت، تصریح می‌کند که مقصود شارع از تشریع احکام، حفظ پنج امر اساسی؛ یعنی دین، جان، عقل، نسل و مال است. از این رو، هر آنچه در راستای حفظ این اصول باشد، مصلحت محسوب می‌شود و هر آنچه موجب نابودی یا آسیب رساندن به آن‌ها گردد، مفسده به‌شمار می‌آید و جلوگیری از آن نیز خود نوعی مصلحت است (غزالی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۴).

ابن‌ازرق نیز در کتاب بدائع السِّلک فی طبائع الممالک با اشاره به جایگاه این ضروریات می‌نویسد: اگر انسان‌ها از میان بروند، اقامه دین امکان‌پذیر نخواهد بود؛ اگر عقل از بین برود، تدبیر امور مختل می‌شود؛ اگر نسل نابود گردد، بقای نوع بشر امکان نخواهد داشت؛ و اگر مال از بین برود، اسباب معیشت و زندگی مردم نابود خواهد شد (اندلسی، بی‌تا، ۱، ص ۲۰۵). این دیدگاه نشان می‌دهد که حفظ مال، همانند سایر مقاصد ضروری شریعت، از ارکان اساسی حفظ نظام اجتماعی و استمرار زندگی انسانی محسوب می‌شود.

بر همین اساس، شریعت اسلامی برای حمایت از اموال و دارایی‌های مردم، تدابیر حقوقی و کیفری متعددی را پیش‌بینی کرده و هرگونه تجاوز به اموال دیگران را ممنوع دانسته است. قرآن کریم در آیات مختلف، بر حرمت اموال مسلمانان و ضرورت صیانت از حقوق مالی افراد تأکید کرده و برای برخی جرایم مالی، از جمله سرقت، ضمانت اجراهای مشخصی مقرر نموده است. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید:

{وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ} (المائدة: ۳۸)

ترجمه: مرد دزد و زن دزد را، به سبب عملی که انجام داده‌اند، به عنوان کیفری بازدارنده از جانب خداوند، دست‌شان را قطع کنید و خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است.

این آیه بیان گر آن است که حفظ امنیت اقتصادی و صیانت از مالکیت مشروع افراد، یکی از اهداف مهم شریعت اسلامی است و دولت اسلامی وظیفه دارد با اجرای احکام الهی، از تعرض به اموال مردم جلوگیری کند.

ماوردی نیز در کتاب دررالسلوک فی سیاسه الملوک، مال را یکی از مهم ترین ارکان حکومت و از پایه های اساسی اقتدار سیاسی می داند و تصریح می کند که حکومت بدون مال و مال بدون قدرت و نیروی حافظ، دوام و استحکام نخواهد داشت (ماوردی، بی تا، ۱، ص ۲۵). بر این اساس، اقتدار حکومت اسلامی زمانی معنا پیدا می کند که بتواند امنیت مالی جامعه را تأمین کرده و از اموال رعایا در برابر هر گونه تعدی و تجاوز حمایت نماید.

بنابراین، دولت اسلامی با اجرای احکام الهی، به ویژه حدود، تعزیرات و سایر مقررات کیفری اسلام، می تواند امنیت اقتصادی جامعه را تأمین کرده، از اموال مردم صیانت نماید و مانع تضییع حقوق مالی آنان شود.

در این مبحث، مهم ترین راه کارهای حفظ اموال رعایا بر اساس نصوص شرعی بررسی شده و مسئولیت دولت اسلامی در اجرای این راه کارها مورد تحلیل قرار می گیرد.

۳.۱. اجرای حدود

اجرای حدود شرعی یکی از مهم ترین ابزارهای حفظ امنیت مالی و اجتماعی در نظام حقوقی اسلام به شمار می رود. حدود، مجازات هایی هستند که شارع مقدس برای برخی جرایم معین مقرر کرده است و هدف از تشریع آنها، پیش گیری از گسترش فساد، حفظ نظم عمومی، حمایت از حقوق افراد و تأمین مصالح جامعه است. این مجازات ها در قرآن کریم و سنت نبوی بیان شده اند و اجرای آنها باید در چارچوب عدالت، رعایت شرایط اثبات جرم و بدون هرگونه افراط یا تفریط صورت گیرد (ماوردی، ۱۳۹۳، ص ۹۲).

یکی از مهم ترین حدود شرعی که نقش مستقیمی در حفاظت از اموال مردم دارد، حد سرقت است. این حکم ضمن حمایت از مالکیت مشروع افراد، مسئولیت حکومت اسلامی را در تأمین امنیت اقتصادی جامعه مورد تأکید قرار می دهد. خداوند متعال می فرماید:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (المائدة: ۳۸)

ترجمه: مرد دزد و زن دزد را، در صورت تحقق شرایط شرعی، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، دست‌شان را قطع کنید؛ این مجازاتی بازدارنده از جانب خداوند است و خداوند توانا و حکیم است. بر اساس این آیه، یکی از وظایف اساسی دولت اسلامی، مقابله با جرایمی است که امنیت اقتصادی جامعه و حقوق مالکیت مشروع افراد را تهدید می‌کند. اجرای صحیح و عادلانه این حکم، علاوه بر جنبه کیفری، نقش مهمی در پیش‌گیری از سرقت، افزایش امنیت اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی دارد.

سنت نبوی نیز بر اجرای عادلانه حدود تأکید فراوان کرده است. پیامبر اکرم ﷺ هیچ‌گونه تبعیضی را در اجرای قانون نمی‌پذیرفتند و عدالت را نسبت به همه افراد جامعه یکسان اجرا می‌کردند. در صحیح بخاری آمده است:

«إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرْكُوهُ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ، وَإِيمَ اللَّهِ، لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا.» (بخاری، ۱۹۶۱م، ج ۴، ص ۲۵۲، ح ۶۷۸۸).

ترجمه: همانا ملت‌های پیش از شما نابود شدند؛ زیرا هرگاه فردی صاحب‌منصب و شریف مرتکب سرقت می‌شد، او را رها می‌کردند، اما اگر فردی ضعیف مرتکب همان جرم می‌شد، حد را بر او جاری می‌ساختند. سوگند به خدا، اگر فاطمه دختر محمد نیز سرقت می‌کرد، دست او را قطع می‌کردم. این حدیث به روشنی بیان‌گر آن است که عدالت کیفری در اسلام بر اصل مساوات در برابر قانون استوار است و هیچ‌کس، صرف‌نظر از جایگاه اجتماعی، از اجرای قانون مستثنا نیست. رعایت این اصل، یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ امنیت مالی جامعه و جلوگیری از تبعیض در نظام قضایی به‌شمار می‌رود.

یکی دیگر از احکام مهم شریعت اسلامی در زمینه حفظ امنیت مالی، مقابله با محارب‌ان و راهزنان است. راهزنی و ایجاد ناامنی در مسیرهای عمومی، علاوه بر تعرض به اموال مردم، امنیت جانی جامعه را نیز تهدید می‌کند؛ از این‌رو، قرآن کریم برای این جرم مجازات‌های مشخصی مقرر کرده و دولت اسلامی را موظف ساخته است با این دسته از مجرمان برخورد قانونی کند.

{إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا...} (المائدة: ۳۳)

سپس می‌توانید مانند متن اصلی، توضیح محاربه، دیدگاه صابونی، اقسام چهارگانه مجازات محارب، حدیث عَکَل و عُرینه و تحلیل پایانی را نیز به همین سبک بازنویسی کنید؛ یعنی بدون حذف محتوا، اما با نشر روان، آکادمیک و یکدست.

۳.۲. راه کارهای حفظ اموال رعایا در روایات اسلامی

کیفر کسانی که با حکومت اسلامی به ستیز برمی‌خیزند، با خدا و پیامبر او به جنگ می‌پردازند و از طریق ایجاد ناامنی، راهزنی، غارت اموال و اخلال در امنیت عمومی در زمین فساد می‌کنند، آن است که کشته شوند، یا به دار آویخته شوند، یا دست و پای آنان به صورت مخالف یک‌دیگر قطع گردد، یا از سرزمین خود تبعید یا زندانی شوند. این مجازات، خواری آنان در دنیا است و در آخرت نیز عذاب بزرگی خواهند داشت.

در تفسیر این آیه، واژه «يُحَارِبُونَ» از ریشه «حرب» و در برابر «صلح» قرار دارد و در اصطلاح فقهی به معنای ایجاد ناامنی، تعدی و تجاوز به جان و مال مردم است. این مفهوم در قرآن کریم در ارتباط با جرایمی مطرح شده است که امنیت عمومی جامعه را تهدید می‌کنند. هم‌چنین واژه «فَسَاداً» در برابر صلاح قرار دارد و مقصود از عبارت «فِي الْأَرْضِ فَسَاداً» ایجاد رعب و وحشت در جامعه، ناامن ساختن راه‌ها، قتل، وارد کردن جراحت و غصب اموال مردم است (صابونی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۸۹).

فقه‌های اسلامی با استناد به این آیه، برای مجازات راهزنان مسلح (قطاع‌الطریق) چهار حالت را بیان کرده‌اند:

۱. کشتن آنان، در صورتی که تنها مرتکب قتل شده باشند.
۲. به دار آویختن آنان، در صورتی که هم مرتکب قتل شده و هم اموال مردم را غارت کرده باشند.
۳. قطع دست و پای آنان به صورت مخالف یک‌دیگر، در صورتی که تنها مرتکب غارت اموال شده و قتل انجام نداده باشند.
۴. تبعید یا نفی آنان از سرزمین، در مواردی که صرفاً موجب ایجاد ناامنی و اخلال در امنیت عمومی شده باشند؛ البته کیفیت اجرای این حکم در منابع فقهی با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار گرفته است (مخلص، ۱۳۸۲، ص ۴۷۴).

در شریعت اسلامی، حفظ کرامت انسان و تأمین امنیت عمومی از مهم‌ترین اهداف نظام حقوقی اسلام به‌شمار می‌آید. از این‌رو، تجاوز به جان، مال و ناموس مردم از بزرگ‌ترین جرایم محسوب می‌شود. ظلم، قتل، راهزنی، غارت و سرقت، امنیت فردی و اجتماعی را مختل می‌سازد و نظم عمومی جامعه را بر هم می‌زند؛ از همین جهت، اسلام برای مقابله با این جرایم، سازوکارهای کیفری مشخصی را پیش‌بینی کرده است تا ضمن حمایت از حقوق افراد، از گسترش فساد و ناامنی جلوگیری شود.

احکام مربوط به محاربه و سرقت نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. مجازات‌های مقرر برای محاربه با هدف بازدارندگی، حفظ امنیت عمومی و صیانت از جان و مال مردم تشریع شده‌اند و اجرای آن‌ها با توجه به نوع جرم، شرایط تحقق آن و ضوابط مقرر در شریعت صورت می‌گیرد. هم‌چنین درباره جرم سرقت نیز احکام کیفری ویژه‌ای در منابع فقه اسلامی بیان شده است که اجرای آن‌ها مشروط به تحقق شرایط اثبات جرم و رعایت ضوابط شرعی است (صابونی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۸۹).

در صحیح بخاری از انس بن مالک روایت شده است که گروهی از قبیله عُکَل یا عُرَینه وارد مدینه شدند، اما آب‌وهوای مدینه با آنان سازگار نبود و بیمار شدند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم دستور داد چند شتر شیرده در اختیار آنان قرار دهند و آنان از شیر و ادرار شترها استفاده کنند تا بهبود یابند. پس از آنکه سلامتی خود را بازیافتند، چوپان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم را به قتل رساندند و شترها را به غارت بردند. با رسیدن خبر این حادثه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم گروهی را برای تعقیب آنان اعزام کرد. پس از دستگیری، حکم شرعی درباره آنان اجرا شد. ابوقلابه در توضیح این واقعه می‌گوید:

«این افراد مرتکب سرقت شدند، دست به قتل زدند، پس از ایمان کافر شدند و با خدا و پیامبر او به جنگ برخاستند.» (بخاری، ۱۹۶۱م، ج ۱، ص ۵۶، حدیث ۲۳۳).

این روایت نشان می‌دهد که در نظام حقوقی اسلام، حکومت اسلامی موظف است در برابر جرایمی که امنیت عمومی، جان و اموال مردم را تهدید می‌کند، با قاطعیت و در چارچوب احکام شرعی اقدام نماید. اجرای عدالت در چنین مواردی، افزون بر مجازات مجرمان، نقش مهمی در پیش‌گیری از وقوع جرایم مشابه، ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی، و حفظ اموال و حقوق مالی رعایا دارد. از این‌رو، اجرای حدود و احکام مربوط به محاربه و سرقت، صرفاً جنبه کیفری نداشته، بلکه یکی

از مهم‌ترین ابزارهای حکومت اسلامی برای صیانت از امنیت عمومی، حفظ نظم اجتماعی و حمایت از حقوق مالی شهروندان به‌شمار می‌رود.

۳.۳. جلوگیری از غصب اموال دیگران

یکی دیگر از مهم‌ترین مسئولیت‌های حکومت اسلامی در حمایت از حقوق رعایا، جلوگیری از غصب، تعدی و تصرف غیرقانونی در اموال مردم و مقابله با هرگونه زورگویی و تجاوز به حقوق مالکیت افراد است. در اندیشه اسلامی، مالکیت مشروع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و هیچ‌کس حق ندارد بدون رضایت مالک، در اموال دیگران تصرف کند. قرآن کریم اصل رضایت در معاملات را یکی از مبانی مشروعیت نقل و انتقال اموال دانسته و هرگونه تملک مال از راه‌های نامشروع را ممنوع اعلام کرده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾ (النساء: ۲۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یک‌دیگر را به ناروا نخورید، مگر آنکه دادوستدی بر پایه رضایت متقابل میان شما باشد.»

این آیه، اصل بنیادین احترام به مالکیت مشروع را بیان کرده و تصرف در اموال دیگران را تنها در صورتی مجاز می‌داند که بر پایه رضایت و توافق طرفین صورت گرفته باشد. بر همین اساس، حکومت اسلامی مکلف است با هرگونه غصب، تصرف عدوانی، زورگویی و تضییع حقوق مالی افراد مقابله کرده و امنیت اقتصادی جامعه را تأمین نماید.

سنت نبوی نیز بر حرمت شدید تجاوز به اموال دیگران تأکید فراوان دارد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرماید:

«مَنْ أَخَذَ شَيْئًا مِنَ الْأَرْضِ ظُلْمًا، فَإِنَّهُ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ سَبْعِ أَرْضِينَ.» (بخاری، ۱۹۶۱، ج ۴، ص

۱۰۷، حدیث ۳۱۹۸).

«هر کس حتی به اندازه یک وجب از زمین دیگری را به ستم تصرف کند، در روز قیامت همان زمین از هفت طبقه زمین بر گردن او افکنده خواهد شد.»

این حدیث بیان گر آن است که حتی کوچک ترین تجاوز به حقوق مالکیت دیگران نیز از دیدگاه اسلام گناهی بزرگ به شمار می رود و مسئولیت سنگینی در دنیا و آخرت برای متجاوز به همراه خواهد داشت.

هم چنین در صحیح مسلم از ابوهریره روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم درباره حقیقت ورشکستگی در قیامت فرمودند:

«أَتَدْرُونَ مَا الْمُفْلِسُ؟ ... إِنَّ الْمُفْلِسَ مَنْ أَمَّتْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَصَلَاءٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ، وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ هَذَا، وَقَذَفَ هَذَا، وَأَكَلَ مَالَ هَذَا، وَسَفَكَ دَمَ هَذَا، وَضَرَبَ هَذَا...» (نيسابوری، ج ۸، ص ۱۸، ح ۲۵۸۱).

رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «آیا می دانید مفلس کیست؟» اصحاب عرض کردند: مفلس در میان ما کسی است که نه درهمی دارد و نه مالی. آن حضرت فرمودند: «مفلس واقعی از امت من کسی است که در روز قیامت با نماز، روزه و زکات حاضر می شود؛ اما در دنیا به این شخص ناسزا گفته، به دیگری تهمت زده، مال دیگری را خورده، خون فردی را ریخته و شخص دیگری را مورد ضرب و شتم قرار داده است. در نتیجه، از حسنات او به صاحبان حقوق داده می شود و اگر حسناتش پیش از ادای حقوق پایان یابد، گناهان آنان بر او نهاده می شود و سپس در آتش افکنده خواهد شد.»

این آیات و احادیث به روشنی بیان گر آن است که تجاوز به اموال مردم، از بزرگ ترین مصادیق ظلم و تضییع حقوق دیگران به شمار می رود و اسلام هرگونه تصرف در اموال دیگران بدون رضایت مالک را ممنوع دانسته است. از این رو، حکومت اسلامی موظف است با استفاده از اقتدار قانونی و قضایی خود، از هرگونه غصب، زورگویی، تصرف عدوانی و تجاوز به حقوق مالی مردم جلوگیری کرده و امنیت مالکیت مشروع شهروندان را تضمین نماید.

۳.۴. تعزیرات

تعزیرات یکی دیگر از ابزارهای مهم حکومت اسلامی برای حفظ امنیت عمومی و حمایت از اموال رعایا به شمار می رود. در اصطلاح فقه اسلامی، تعزیر به مجازاتی گفته می شود که برای جرایمی وضع می شود که در قرآن کریم و سنت نبوی برای آن ها حد معینی تعیین نشده است و تعیین نوع و میزان آن با توجه به شرایط جرم، شخصیت مجرم و مصلحت جامعه، در اختیار حاکم شرع قرار دارد (کاسانی، بی تا، ج ۷، ص ۶۳).

اگرچه تعزیرات از نظر میزان و کیفیت اجرا با حدود شرعی تفاوت دارند، اما هر دو در تحقق اهداف مشترکی همچون اصلاح مجرم، پیش‌گیری از تکرار جرم، تأمین امنیت عمومی و حفظ نظم اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کنند (ماوردی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۶).

ابن زهره نیز هر فعل حرام یا ترک واجبی را که برای آن در شریعت حد معینی مقرر نشده، یا شرایط اجرای حد درباره آن تحقق نیافته باشد، از موارد تعزیر دانسته و تعیین نوع و میزان مجازات را در اختیار حاکم اسلامی قرار می‌دهد (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۳۵). هم‌چنین شهید ثانی تعزیر را نوعی مجازات تأدیبی می‌داند که مقدار آن در اغلب موارد به صورت مشخص در شریعت تعیین نشده و تشخیص آن بر اساس مصالح جامعه به حاکم شرع واگذار شده است (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۱۴، ص ۳۲۶).

هرچند اصطلاح «تعزیر» با مفهوم فقهی امروز، به‌صورت صریح در قرآن کریم ذکر نشده است، اما اصول کلی آن، از جمله تأدیب مجرمان، جلوگیری از فساد و حفظ امنیت جامعه، در آیات متعدد مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله خداوند متعال درباره مجازات مفسدان می‌فرماید:

﴿أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (المائدة: ۳۳)

«یا از سرزمین تبعید شوند؛ این، خواری آنان در دنیا است و در آخرت نیز عذاب بزرگی خواهند داشت.»

ماوردی اجرای احکام شرعی را از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی دانسته و معتقد است که دولت از طریق اجرای حدود و تعزیرات، امنیت عمومی و حقوق شهروندان را تضمین می‌کند (ماوردی، ۱۳۹۳، ص ۴۸).

هم‌چنین صالح السدلان در کتاب وجوب تطبیق الشریعة الإسلامية فی کل عصر بر این باور است که وجود حکومت اسلامی برای حفظ نظم اجتماعی، دفاع از سرزمین اسلامی، حمایت از جان و مال مردم، جلوگیری از هرج و مرج و اجرای مجازات‌های بازدارنده، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا بدون اقتدار حکومت، امنیت جامعه و حقوق افراد قابل تضمین نخواهد بود (السدلان، بی‌تا، ص ۲۴).

از سوی دیگر، محمد بن ابراهیم الکنانی در کتاب توضیح الأحکام فی حکومت أهل الإسلام وظایف حکومت اسلامی را تنها به اجرای احکام کیفری محدود نمی‌داند، بلکه اقامه شعائر دینی،

برگزاری نمازهای جماعت و جمعه، تنظیم امور روزه، حج، اعیاد اسلامی، تأمین امنیت زائران و حفظ اموال آنان را نیز از مسئولیت‌های اساسی حکومت اسلامی برمی‌شمارد (الکنانی، ۱۹۸۸م، ص ۶۷). بنابراین، تعزیرات یکی از مهم‌ترین ابزارهای حکومت اسلامی برای پیش‌گیری از جرایم مالی، حمایت از مالکیت مشروع، مقابله با غضب، سرقت و سایر جرایم علیه اموال مردم به‌شمار می‌رود. اجرای صحیح و عادلانه این مجازات‌ها، افزون بر اصلاح مجرمان، موجب افزایش امنیت اقتصادی، کاهش جرایم مالی و تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی و حکومتی خواهد شد و زمینه صیانت هرچه بیشتر از اموال رعایا را فراهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حفظ مال و دارایی، یکی از مقاصد بنیادین شریعت اسلامی است و در کنار حفظ دین، جان، عقل و نسل، از ضروریات پنج‌گانه‌ای به‌شمار می‌رود که تمامی احکام و مقررات اسلامی در جهت صیانت از آن‌ها تشریع شده‌اند. از این رو، اسلام مالکیت مشروع را محترم شمرده و هرگونه تعرض، غضب، سرقت، چپاول و تصرف غیرقانونی در اموال دیگران را ممنوع اعلام کرده و برای پیش‌گیری از این جرایم، سازوکارهای حقوقی و کیفری متعددی را پیش‌بینی نموده است.

نتایج تحقیق هم‌چنین بیان‌گر آن است که دولت اسلامی در قبال حفظ و صیانت از اموال رعایا مسئولیتی مستقیم و اساسی بر عهده دارد. این مسئولیت تنها به وضع قوانین محدود نمی‌شود، بلکه دولت مکلف است با اجرای احکام شریعت، برقراری عدالت، حمایت از حقوق مالکیت مشروع، مقابله با هرگونه تعدی به اموال مردم و تأمین امنیت اقتصادی جامعه، زمینه حفظ حقوق مالی شهروندان را فراهم سازد. بررسی آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و دیدگاه‌های فقهای اسلامی نشان می‌دهد که اجرای صحیح احکام شرعی، از مهم‌ترین ابزارهای تحقق این مسئولیت به‌شمار می‌آید.

بر پایه یافته‌های پژوهش، اجرای حدود شرعی، به‌ویژه حد سرقت و احکام مربوط به محاربه و راهزنی، از مؤثرترین ابزارهای حکومت اسلامی برای پیش‌گیری از جرایم مالی، حفظ امنیت عمومی و حمایت از اموال مردم محسوب می‌شود. افزون بر آن، جلوگیری از غضب و تصرف غیرقانونی در اموال دیگران و نیز اجرای مجازات‌های تعزیری در مواردی که برای آن‌ها حد مشخصی تعیین نشده

است، نقش مهمی در کاهش جرایم مالی، تأمین نظم اجتماعی و حمایت از حقوق شهروندان ایفا می‌کند. از این رو، حدود و تعزیرات را می‌توان مکمل یک‌دیگر در تحقق امنیت مالی و استقرار عدالت اجتماعی دانست.

در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که تحقق امنیت اقتصادی، استقرار عدالت اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی در جامعه اسلامی، در گرو پابندی حکومت به مسئولیت‌های شرعی و قانونی خود، اجرای عادلانه احکام اسلامی، تقویت نهادهای قضایی و نظارتی و مقابله قاطع با جرایم علیه اموال مردم است. بر این اساس، حفظ اموال رعایا صرفاً یک وظیفه اجرایی یا اداری برای دولت اسلامی نیست، بلکه تکلیفی شرعی، حقوقی و اجتماعی است که اجرای صحیح آن، زمینه‌ساز ثبات سیاسی، امنیت اقتصادی، رفاه عمومی و توسعه پایدار جامعه اسلامی خواهد بود.

منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) شیخ محمد، شلتوت. (۱۳۸۲ ه. ق). اسلام آیین زندگی. مترجم: عبدالعزیز سلیمی. نشر احسان، (۱)، ۱۶۷.
- (۳) وهبه، زحیلی. (بی تا). الفقه الاسلامی و ادلته. سوریه - دمشق. نشر دارالفکر. چاپ دوم. ج ۴ - ۳۹۸.
- (۴) ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۳۶ ش). مقدمه ابن خلدون. مترجم: محمد پروین گنابادی. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول.
- (۵) ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹ ش). معجم مقایسه اللغة. بیروت، نشر دارالفکر.
- (۶) ابن کثیر، اسماعیل. (۱۹۹۹ م). تفسیر ابن کثیر. بی جا.
- (۷) بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ ق). صحیح البخاری. قاهره، نشر دارالطوق نجات. المکتبه الشامله.
- (۸) حلبی، حمزه بن علی. (۱۴۱۷ ق). غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع. قم، موسسه الامام الصادق علیه السلام.
- (۹) خرم دل، مصطفی. (۱۳۸۸ ش). تفسیر نور. تهران، نشر احسان.
- (۱۰) دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ ش). لغت نامه دهخدا. تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه.
- (۱۱) زنجانی، محمد. (بی تا). مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. بی جا.
- (۱۲) السدلان، صالح. (۱۹۹۷ م). وجوب تطبیق الشریعة الإسلامیة فی کل عصر. الرياض الناشر، دار بلنسیة للنشر والتوزیع، - المملكة العربیة السعودیة الطبعة: الأولى.
- (۱۳) شامیانی، هوشنگ. (۱۳۷۳ ش). حقوق جزای عمومی. تهران، نشر انتشاراتی و ستار.
- (۱۴) شهید ثانی، زین الدین علی. (۱۳۸۱ ش). مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- (۱۵) شیبانی، احمد بن حنبل. (۱۹۹۹ م). مسند امام احمد بن حنبل. بیروت، المکتبه الشامله.
- (۱۶) صابونی، محمد علی. (۱۴۲۵ ق). تفسیر آیات الاحکام. بیروت، نشر رویان.
- (۱۷) عمید، حسن. (۱۳۸۲ ه. ش). فرهنگ عمید. چاپ هفتم، تهران، چاپ خانه سپهر. ج ۱. ۷۷۳.
- (۱۸) کاسانی، علاء الدین. (بی تا). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت، دارالکتاب العربی.
- (۱۹) ماوردی، علی بن محمد. (۱۳۹۳ ش). الأحکام السلطانیة. قاهره، دارالحدیث.

- ۲۰) مخلص، عبدالرؤف. (۱۳۸۱ش). **انوارالقرآن**. تربت جام، انتشارات شیخ الاسلام/احمد جام.
- ۲۱) معین، دکتر محمد. (۱۳۶۴ش). **فرهنگ فارسی**. تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۲) نیسابوری، مسلم بن الحجاج. (۱۴۳۳ق). **صحیح مسلم**. بیروت، طبعه دار إحياء التراث.
- ۲۳) ابن منظور، محمد. (۱۲۷۵ق). **لسان العرب**. بیروت، طبعه دار صادر.
- ۲۴) انیس، ابراهیم و رضا، توکلی. (۱۳۸۲هـ ش). **المعجم الوسيط**. مترجم: محمد بندر ریگی، تهران، چاپ مهارت.
- ۲۵) غزالی، ابوحامد. (۱۴۱۳هـ ق). **المستصفی**. تحقیق، محمد عبدالسلام عبدالشافی. الناشر، دارالکتب العلمیه. الطبعة الاولى.
- ۲۶) ماوردی، محمد بن علی. (بی تا). **بدائع السلوک فی طبایع الملک**. المحقق؛ علی سامی النشار. الناشر؛ وزارة الاعلام - العراق. الطبعة الاولى.
- ۲۷) اندلسی، ابوحسن علی بن محمد. (بی تا). **درر السلوک فی سیاسه الملوک**. المحقق: فواد عبدالمنعم احمد. الناشر؛ دارالوطن - ریاض.